



اولین ویژه‌نامه خانه نشریات دانشجویی  
وزارت بهداشت  
صفحه آرایی: رضا آقابیکی

آه مظلوم؛ کرونا یا سومدیریت؟

# کرونولوژی

## جامه‌ی رنگین همدلی

نمی دانم کدام صفحه‌ی تاریخ، مجذوب رقص قلم و ترانه‌ی سوگ خواهد شد، نمی دانم چگونه مرکبی در عمق افکار رخنه خواهد کرد! نه به کوتاهی غزلی عاشقانه نه به بلندی هزاران بیت مثنوی، بلکه شعر سپیدی که قافیه هایش، عاشقانه حروف خود را فدا کردند و چه اثر فاخری را به قاب زرین تاریخ بخشیدند.

بغض در گلویم خفته است و قلب به شور حماسه سرزنده و وهمی که مبهوت مانده است و چشمی که نمیداند از کجا شروع کند!  
از سفید پوشانی که رخت خدمت به تن کرده اند و عاشقانه روانه میدان رزم شدند. چه درک از دل مادری که کودکش را مدت هاست ندیده است و چه درک از سنگینی بار خستگی‌هایی که به دوش می کشد تا زندگی را به دیگران هدیه کند. به راستی که جان می دهند و جان می دهند!

از جوان و نوجوانی که کمر به همت بسته اند و در حفاظت از محله و شهر خود پیشانی خیس می کنند. چه باک از تانک‌های کشته! آنان خون حسین‌های فهمیده را در رگ‌هایشان دارند. از زمین تا خدا، برایشان فاصله‌ای جز خدمت نیست! از احتکارکنندگان، نه آنان که حق را به ناحق فروختند، آنان که دستشان را در دست مردم احتکار کردند و یاری رسان میهن، در برابر هجوم نداشتن‌ها شدند چه زیبا در پشت چرخ‌های خیاطی «س ل ا م ت» را به هم می‌دوزند و چه زیبا سیاسی‌برایشان.

از بزرگی دل‌های صاحب‌خانه‌ای که تنگ‌دستی مستاجر خود را همدرد شد و بر او آسان گرفت. چه خوش‌آواست ساز قلب‌های مهربان، این سمفونی، ماندگار خواهد ماند.

از کمک‌های مومنانه‌ای که روح اخلاص در آنان دمیده شده است. کدام تصویر گویای این حجم از حُب و همدلی می‌باشد. هزاران هزاران بسته‌ی برکت به زندگانی درمندگان هدیه شد.

و «از»‌های بسیاری که عقل به آن‌ها راه نمی‌یابد بلکه دل است که درک می‌کند دل است که یکه تازی می‌کند دل است که کارزار حیات را شخم می‌زند. همه‌ی ایران، همدل باهم و در مسیر پیروزی بر کرونا.

«زندگی صحنه‌ی یکتای هنرمندی ماست/ هرکسی نغمه‌ی خود خواند و از صحنه رود/ صحنه پیوسته به جاست/ خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد»

علی رستمی - دانشجوی دندانپزشکی

نماینده منطقه جنوب شرق



طه نظری پور - دانشجوی پزشکی

نماینده منطقه جنوب



## مدیریت بحران کرونا

در این میان جمهوری اسلامی در کنترل و مدیریت بحران کرونا موفقیتی انکارناپذیر داشته و سیستمی مبتنی بر اصول اخلاقی را به نمایش گذاشته که تفاوت‌مبنایی با دیگر نظام‌های سیاسی دنیا را واضح‌تر کرده است به علاوه یکسری زیرساخت‌ها و ظرفیت‌ها در بخش‌های فرهنگی، مدیریتی و بهداشتی و درمانی این عملکرد را رقم زده است: عامل اول در موفقیت ایران برای مهار و کنترل دامنه مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا، پیشرفت‌های کشور در بخش بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است و پیشرفت فقط به حوزه‌های علمی، تحقیقی، آزمایشگاهی و امکانات و تجهیزات خلاصه نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های عمرانی و زیرساختی مرتبط هم پیشرفت داشته است، همچنان که ایران در بخش دارو و ماسک و لباس و مواد ضد عفونی هم شاهد بحرانی مشابه کشورهای غربی نبود. عامل دوم جنبه فرهنگی دارد، روحیه و فرهنگ ایشان در جامعه ایران اسلامی نه تنها پزشکان و پرستاران و کادر درمانی را راسخ‌تر از گذشته پای کار مقابله با کرونا نگه داشته است، بلکه نیروهای جهادی و بسیج مردمی نیز به یاری نظام سلامت برخاسته‌اند. عامل سوم عملکرد مدیریتی است. با همه نقدهایی که به دستگاه اجرایی از لحاظ کارآمدی وجود دارد، قدری باید با واقع‌بینی توأم با ارزیابی منصفانه،

قرنطینه نکردند؟ چرا اینقدر تعلل کردند که چند بیمار در کشورهایشان به چند هزار تبدیل شود؟ چرا از ترس سقوط اقتصادی، حقیقت را از مردم خود پنهان کردند؟ اقدامات رخ داده در کشورهای اروپایی در مقابله با کرونا چگونه است؟ چگونه مواجه مسئولین در ایران در مقابله با کرونا در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکایی چگونه است؟ نحوه مداوای بیماران در ایران بر اساس اصول است یا کشورهای اروپایی؟ هزینه درمان بیماران در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر چگونه است؟ و هزاران سوال دیگر...

برای بررسی کیفیت مدیریت بحران کرونا، ابتدا باید تعریف بحران و مدیریت بحران را دانست. بحران، از هم‌گسیختگی شدید در فعالیت‌های یک جامعه است که در این فرایند، انسان‌ها، اقلام و دارایی‌ها و محیط در سطح وسیع دچار آسیب و صدمات شدید میشوند؛ به طوری که جامعه فقط قادر است از منابع موجود خود کمک بگیرد. و مدیریت بحران عبارت است از مجموعه فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و همه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات، جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط زیست و سرانجام ترمیم و بازسازی خرابی‌ها.

◀ **قاب و ویروس کرونا، شاید بهترین درجه‌ای است که در آن بتوان تمامیت جریان جنگ شناختی و رسانه‌ای علیه کشورمان را به نظاره نشست. جنگی برای ارائه تصویری از ایران، به عنوان عقب‌مانده‌ترین کشور جهان، به عنوان تنها جهنم روی زمین!**  
**برخی ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها و بی‌صداقتی‌ها در بحران کرونا در کشورمان را انکار نمی‌کنیم اما قاب کرونا به وضوح دوگانه‌دروغین‌بهبشت و جهنمی که صهیونیسم رسانه‌ای غرب برای مامی‌سازد را روشن کرد.**

در چنین فضایی هیچ‌کس نمی‌پرسد که چرا در سوئد و سوئیس کرونا شایع شد؟ چرا در فرانسه و آلمان بحران کمبود و گرانی مواد بهداشتی به وجود آمد؟ چرا آمریکا و انگلیس، آمار واقعی مبتلایان را از مردم خود مخفی کردند؟ چرا در ایتالیا و اسپانیا تجمعات مذهبی و مسابقات فوتبال زودتر تعطیل نشدند؟ چرا کشورهای یاد شده در بستن مرزهای خود مراقبت نکردند؟ چرا شهرهایشان را زودتر

# مدیریت بحران کرونا

ادامه از صفحه یک



شاخص ها و ملاک ارزیابی های خود را در گام های پیش رو، بازخوانی کنیم آن هم با واکاوی نسبت به پلان برنامه ریزی شده برای مدیریت بحران کرونا در کشور به ویژه در چارچوب ساختارهای تخصصی و کارآمدی جاری و بر اساس امکانات و توانایی های بالقوه و بالفعل درمانی و بهداشتی کشور و همچنین ممنوعیت های انعطاف پذیر مبتنی بر رفتارهای جامعه شناختی جامعه. جمهوری اسلامی با توجه به زیرساخت ها و امکانات درمانی کارآمد خود، تا کنون نمره قبولی لازم را برای مدیریت بحران به دست آورده و فقط در تطبیق، با دو مشکل مواجه است؛ یکی با بی مبالاتی اجتماعی در بخشی از جامعه روبه رو است و دیگری نحوه هماهنگ سازی بین دو سامانه تولیدی و توزیعی کشور، و چگونگی توازن بخشیدن به هر دو اولویت سلامت و اقتصاد به طور هم زمان. در این میان با اجرای پروتکل های تنظیمی پیرامون ممنوعیت ها و مجازات های تنبیهی تعیین شده در کنار تقویت سامانه های نرم افزاری برای رفع نارسائی های مربوط به مخاطرات مبتلایان می توان با اراده و اهتمام جدی، کشور را به ساحل آرامش و ایمنی، رهنمون ساخت.

بحران کرونا یک چالش جهانی است که سیاسی کردن آن به ضرر مروجان این رویکرد ناشیانه درآمده است. حل کارآمد بحران کرونا فقط از طریق اراده عمومی و با تکیه بر سرمایه های فکری و انسانی و مادی درونی و در پرتو رویکردهای فن آورانه و تولید فرآورده های دارویی و افزایش توانمندی های تشخیصی و معالجه ای کشورها، میسر و مقدور خواهد شد. حماقت های برخی از قدرت های بزرگ جهانی در ترویج عملکردهای نژادپرستانه مغایر با ارزش های اخلاقی و انسانی جهانی و پیامدهای آن، موجب بروز عوارض و تبعات منفی برای خود آن حکومت ها و تضعیف فرایند هم گرایی و چندجانبه گرایی می شود. در مقابل شاهد رویکردهای سخاوتمندانه ایران در ترویج گفتمان پیکر واحد جهانی در دردها و آلام ناشی از بحران کرونا و کمک و همبستگی و هموارسازی از طریق ارائه کمک های انسانی و تبادل دستاوردهای علمی و درمانی در حد بضاعت، هستیم.

اما به طور دقیق و مدون، بعضی از متغیرها که برای ارزیابی واقع بینانه مورد توجه قرار می گیرد عبارت اند از:

۱. جمعیت کشورها: یک مولفه تاثیرگذار برای قضاوت در این حوزه است. همچنین تراکم و نحوه توزیع جمعیت نیز مهم است که تشریح آن در این مقاله نمی گنجد.
۲. ساختار جمعیتی: مولفه موثر دیگری است که در کشورهای جهان بسیار متفاوت است. این ساختار مشتمل بر سه بخش اصلی است: الف) جمعیت پایه زیر ۱۵ سال ب) جمعیت مولد یا در سن کار که شامل جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال می شود. ج) جمعیت سالمند که بیش از ۶۵ سال سن دارند. با توجه به کشتار بیشتر کرونا در سالمندان به دلایل مختلف، ساختار جمعیتی تاثیر زیادی در خروجی عملکرد کشورها دارد. این مسئله از عوامل موثر در نرخ مورتالیتی ایتالیا و اسپانیا بوده است. خوشبختانه امروز ما از ساختار جمعیتی مناسبی در ایران برخورداریم و میانگین سنی منحنی جمعیت کشور عمدتاً در رده کشورهای جوان

مصرف بیش از ۱۷ درصد از درآمد ناخالص ملی خود در حوزه سلامت که نزدیک به دو برابر اکثر کشورهاست، حدود چهار میلیون نفر از جمعیت را نادیده گرفته و بقیه را هم بر حسب میزان ثروت و هزینه دسته بندی کرده است و ساختارهای پیشگیرانه که معمولاً پوشش عمومی بیمه را ندارند، ضعیف هستند. البته توسعه اجتماعی تا حدود زیادی در موضوع بهداشت و پیشگیری توفیق ایجاد کرده است

لکن در بحران هایی همچون کرونا تعریف کاملاً روشنی برای آن ندارند و نظام سلامت عدالت محور نیست. سایر کشورها از قبیل ایتالیا و اسپانیا نیز با همین معضل مواجه شدند. اما کشورهای چین، سوئد، نروژ، دانمارک و هلند از ساختارهای مناسب تری برخوردار بودند. در جمهوری اسلامی ایران ساختارهای بهداشتی در بخش پیشگیری، مبتنی بر عدالت در سلامت است و تحت عنوان نظام شبکه خدمات بهداشتی-درمانی از دورترین نقطه کشور در روستاها تا شهرهای بزرگ را شامل می شود.

۶. امکانات بهداشتی و درمانی کشورها، میزان آزمایش و تست انجام شده، میزان مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا و میزان آمار بهبود یافتگان این بیماری

۷. علم پاسخگو: برای نجات انسان، نیازمند دو علم سلولی-مولکولی و دیجیتال هستیم. در کشور ما علم سلولی-مولکولی در حال پیشرفت است. بعنوان مثال کیت و آنتی بادی ها را تهیه کرده ایم.

۸. زمان کنترل، مهار و ریشه کنی با شاخص های مشخص و مطمئن

۹. اقتصاد کشورها: نکته دیگر، توجه به اقتصاد کرونایی است. امروز و فردا کشوری موفق خواهد بود که قدرت حفظ مردمانش را در میدان تولید با وضعیت کرونایی داشته باشد که این مهم تدابیر خاصی را طلب می کند.

موارد فوق، ضرورت توجه به معیارهای علمی و نقد منصفانه حکومت در مدیریت بحران کرونا را یادآور می شود. همچنین امید است با افزایش سواد رسانه ای و شناخت ابعاد مختلف جنگ نرم، اراده هایمان مغلوب فضا سازی دشمنان داخلی و خارجی نشود.

در پایان توصیه ما زندگی با این مهمان ناخوانده است نه بیرون کردن فرضی و یا تبلیغاتی آن. شواهد علمی حاکی از حضور طولانی مدت این ویروس است که با نوع رفتار فردی و اجتماعی ما افول و بروز میکند.

ارزیابی می شود و همین ویژگی نیز یک تضمین را برای کشور به منظور عبور زودهنگام از بحران به وجود آورده است. این موضوع در مقایسه با دیگر کشورهای درگیر با بحران، یک آیتم ارزشمند ارزیابی می شود و زمینه آسیب پذیرتر شدن جوامع مسن را در اروپا و آمریکا و حتی روسیه تسریع بخشیده است و پاشنه آشیل مدیریت بحران کرونا، به شمار می آید.

۳. ساختار اجتماعی حاکم بر کشورها: توفیق کشورهایی چون چین، سنگاپور، ژاپن و کشورهای با رویکرد شبه سوسیالیستی در مقابل ضعف کشورهایی چون آمریکا، فرانسه و ایتالیا شاهد این مدعاست. بعضی کشورهای غربی با وجود ثروت بیشتر، علم فزون تر و مدیران تحصیل کرده تر تسلیم این ساختار ناپهناجر شدند. در کشورمان اما به سرعت آنچه را که می توان فطرت ایرانیان مسلمان خواند، چهره نمایان کرد و تجلی خدمت، ایثار، بخشش و مهربانی کشور را فرا گرفت.

۴. ساختار سیاسی کشورها: کشورهایی که مدیریت منسجم و هماهنگی بین بخشی داشتند، از ساختار سیاسی مناسب بهره برده اند و خیلی زود با فرماندهی واحد در بالاترین سطح توانستند پیام واحدی را به مردم برسانند و موفق شوند اما کشورهای حزب زده نتوانستند به خوبی چنین کاری انجام دهند. آمریکا و انگلیس مصداق مشخصی بر این معنی هستند. در ایران، ابتدا تولید همه امور را وزارت بهداشت و درمان بر عهده گرفت و به دلایل متعددی همه ابعاد پیچیده کرونا مورد توجه و مذاقه قرار نگرفت اما خیلی زود رهبری فرزانه به میدان آمدند و ضمن تایید تولیدیگری حوزه سلامت، همه ساختارها به ویژه ساختارهای نظامی، انتظامی و اجتماعی را به میدان فرستادند و یکباره کرونا محور دیدگاه همه سیاست مداران شد. انسجام مدیریتی در اکثر زمینه ها تا حدودی موجب دلگرمی مردم شد و مردم از این یکپارچگی بهره بردند. در ایران، حاکمیت، حکومت و مردم یک هدف را تعقیب می کنند و اگرچه این سرمایه اجتماعی، کمی با تاخیر عملیاتی شد اما مهار کرونا را آسان تر و با هزینه های بسیار کمتر مقدور کرد. این حالت را کم و بیش در کشورهایی چون سنگاپور، کره جنوبی، ژاپن، چین و کشورهای شمال اروپا می توان مشاهده کرد.

۵. سیستم نظام سلامت کشورها: شاید برای برخی عجیب باشد که کشور آمریکا یکی از بدترین کشورها از نظر عدالت در سلامت در جهان می باشد. این کشور با

در ایران، ابتدا  
تولیت همه امور را  
وزارت بهداشت  
و درمان بر عهده  
گرفت و به دلایل  
متعددی همه ابعاد  
پیچیده کرونا مورد  
توجه و مذاقه  
قرار نگرفت اما  
خیلی زود رهبری  
فرزانه به میدان  
آمدند و ضمن  
تایید تولیدیگری  
حوزه سلامت، همه  
ساختارها به ویژه  
ساختارهای نظامی،  
انتظامی و اجتماعی  
را به میدان  
فرستادند

# آه مظلوم؛ کرونا یا سومدیریت؟



امیر حسین پناهی - دانشجوی پزشکی  
نماینده منطقه تهران

که غایت مدیریت غربگراها بوده و هست، نیز به صورت چشم گیری افزایش یافته است. به طوری که یک ششم جمعیت انگلیس و یک دهم جمعیت آمریکا از کار بیکار شدند. اما هنوز این واقعیات برای برخی غربگدایان قابل پذیرش نیست.

بررسیها و تخمینها نشان میدهد وزن تمام ویروسهای کرونا در جهان، به ۵ گرم هم نمیرسد و از این مقدار کمتر است. اما توانسته ایدئولوژیهای مختلف حکمرانی را در جهان به چالشهای بزرگی بکشد. چالشی که کشور جهان اول، دوم یا سوم نمیشناسد. نقاب ابرقدرتهای پوشالی جهان کنار رفته است. هرچند سوء مدیریت در غرب، نباید باعث نادیده گرفتن سوء مدیریتهای داخلی شود. کارگر ایرانی کاری ندارد فلان جای جهان چه می گذرد، میتواند مدیریت کند یا خیر، کاری ندارد روزی هزار نفر در ایتالیا

سبب تحریم و کاهش فعالیت اقتصادی را سپری میکند، اما در این میان، بورس ایران، در ماه اسفند، فروردین و اردیبهشت که اوج شیوع کووید ۱۹ در ایران بود، رشد تاریخی داشت. سود ۱۰۰ درصدی برخی سهامها در کمتر از یک یا دو ماه، باعث روی آوردن ناگهانی مردم به بازار سرمایه شد. به طوری که ثبتنامیهای سامانه سجام در فروردین ۹۹ نسبت به فروردین ۹۸، با رشد ۱۸۰۰ درصدی همراه بود و ۱۸ برابر شد. رشد بورس ایران تا آنجا پیشرفت که شاخص کل، یک میلیون را رد کرد. اما بر خلاف ایران، بازار سرمایه در کشورهای بزرگ جهان با اقتصادهای پایدار و بسیار قدرتمند، روند نزولی داشتند و بعضا دچار سقوطهای تاریخی شدند.

شرکتهای بزرگ اقتصادی در سراسر جهان بحرانهایی

◀ درد تنها حس نیست که قابل سازش نیست و بدن هیچگاه به آن عادت نمیکند. دست و پنجه نرم کردن با افزایش قیمتهای هفتگی یا حتی روزانه کالاهای پرمصرف، درد نیست که با سیاستهای حاکم بر اقتصاد، فعلا قصد التیام ندارد. تجربه تورم چهل و چند درصدی سال ۹۸، زندگی را برای مردم به اندازه کافی سخت کرده بود، که در اواخر سال، میهمان ناخواندهای همه محاسباتشان را به هم زد. همهگیری کرونا؛

کمتر خانواده ایرانی را میتوان یافت که از تاثیر سو قرنطینه خانگی کرونا بر دخل و خرجش در امان بوده باشد. از بیکاری شاغلین روزمزد، مانند کارگر و راننده تاکسی تا به صفر رسیدن ساعت کاری کارمندانی که بر اساس ساعت حضور در اداره حقوق دریافت میکردند، دست به دست هم دادند تا خانوادهها سال نوی متفاوتی را آغاز کنند. غصه برگشت خوردن چکهای آخرماه، اجاره خانه، قسط وام و ... همگی استرس و اضطرابی را به سرپرستان خانوار تحمیل کردند که تاثیرات کمتری از اضطراب ابتلا به بیماری کرونا نداشت. اما در این میان، دولت با وعدههای همیشگی خود، سعی در کنترل معضلات اقتصادی جامعه داشت، با توسل به وعده کمکهزیننها و بستههای معیشتی؛ که هیچگاه سازوکار تخصیص آن به خانوادهها روشن نشد. بستههای معیشتی که بازپرداختهایی بیش از مبلغ مساعدتی داشت. این وعدهها به جای آنکه دردی از مردم دوا کند، نمکی بر زخم هاشان بود. وعدههایی که با توجه به سابقه ی درخشان دولت امید فقط ناامیدی را در بین مردم تشدید میکرد.

تاثیر کاهش تحرکات اقتصادی جهان، برای کشوری که وابستگی به نفت در بودجهاش به چشم میخورد، مثل ایران، میتواند مخرب تر از بقیه کشورها باشد. کاهش قیمت نفت به ۱۵ دلار، در حالی که بودجه سال ۹۹ بر اساس نفت با قیمت ۵۰ دلار محاسبه شده است در کنار کاهش حجم صادرات نفت در بحران کرونا، میتواند بودجه سال ۹۹ را با کسری شدیدی مواجه کند. حال آنکه که فارغ از شیوع کرونا در جهان، پیشبینی کسری بودجه ایران در سال ۹۹، حدود ۱۰۰ هزار میلیارد دلار تخمین زده میشد.

برداشت از صندوق ذخیره ارزی، راهی بود که دولت برای مقابله با اثرات سوء شیوع کرونا مطرح کرد و مورد موافقت مقام معظم رهبری قرار گرفت. قرار بود این یک میلیارد یورو در راستای تامین هزینه های درمانی و ترمیم زخمهای اقتصادی ناشی از این بیماری استفاده شود؛ اما دکتر نمکی، وزیر بهداشت، در مصاحبههای مطرح کردند: «خبرش خرابتر کرد جراحی / چو خیال آب روشن که به تشنگان نمای.»  
هیچکس نمیداند این مبلغ هنگفت از بیت المال صرف چه شد!  
درست زمانی که اقتصاد ایران دوران پرتلاطمی را به



جان خود را از دست میدهند یا ده نفر، دغدغه او قسط آخر ماه اوست، نگرانی ذهنی او، شرمندگی از فرزندش برای لباس کهنه شب عید است. اما در این دوران کرونایی، مثل همیشه مردمی بودند که هوای قشر ضعیف را داشته باشند. لکن مردم جای خود، دولت چه کرد؟ کاش صدوسیما، به اندازه پوشش خرابیهای کشورهای خارجی، قدری هم به پوشش خرابیهای داخل بپردازد. کاش جمهوری اسلامی از آه مظلوم میترسید.

را تجربه کردند و میکنند، بحرانهایی که تا مرز اعلام ورشکستگی آنها را پیشبردهاست. شرکت هوایمایی «لوفت هانزا»، بزرگترین شرکت هوایمایی اروپا، اعلام ورشکستگی کرد. نیسان، غول خودروسازی ژاپن، ۲۰ هزار نفر از نیروهای خود را اخراج کرد. همچنین شرکت هوایماسازی بوئینگ و خودروسازی رولزرویس نیز دست به تعدیل نیرو زدند به ترتیب ۱۲ و ۹ هزار نفر از کارمندان خود را راهی خانه کردند. آمار بیکاری در کشورهای غربی،

بررسیها و تخمینها  
نشان میدهد وزن  
تمام ویروسهای  
کرونا در جهان، به  
۵ گرم هم نمیرسد  
و از این مقدار کمتر  
است. اما توانسته  
ایدئولوژیهای  
مختلف حکمرانی  
را در جهان به  
چالشهای بزرگی  
بکشد



وحید کیانی فر - دانشجوی پرستاری

نماینده منطقه شمال شرق



رضا جوان - دانشجوی علوم آزمایشگاهی

نماینده منطقه شمال شرق



## کرونا؛ تدبیر مسئولین برای محرومین

رفتن مجبور می کرد آن هم در زمانی که کرونا در اوج بود. آیا راهکار دیگری نبود که مردم را برای گرفتن سیم کارت وادار به ایستادن توی صف های طولانی نکنیم؟ حالا کسانی از این طرح با خبر شدند و تونستن وام را بگیرند. اما برای خانواده هایی روستایی، عشایری و مناطق محروم که دسترسی به موبایل و اینترنت ... ندارند چه تدبیری اندیشیده اید مسئولان محترم؟

خود به عینه شاهد سرگردانی مادر بی سواد و سالخورده و تهیای در بانک بودم که حتی خبر دادن وام را از همسایه های روستا شنیده بود و از روستای دور افتاده امن خود به شهر آمده بود تا بتواند از حق خود برخوردار شود و حال سرگردان بین بانک و پست بانک و خدمات مشترکین که بلکه بتواند سیم کارتی ثبت نام کند و با گوشی نداشته اش پیامکی به جناب مسئول بدهد که آری من هم نیازمند این وام هستم.

این مدل موارد بسیار بودند و خیلی ها هم علی رغم نیاز مالی نتوانستند هفت خوان دولت را بگذرانند.

من به عنوان یک دانشجو از یک منطقه محروم میخواهم پیامی به مسئولین کشورم بدهم آن هم اینکه در کشور عزیزمان مناطق مرزی و غیر مرزی محروم ،انسان های ضعیف و بی سواد و تنها کم نداریم، پس قبل از تصمیم گیری به فکر محرومین جامعه هم باشیم. کاش مسئولین درک می کردند که شرمنده زن و بچه شدن خیلی سخت است. خیلی سخت است که ببینی خانواده ات دارند سختی می کشند و نمیتوانی کاری انجام بدهی.

ان شاءالله روزی برسد مسئولین حال محرومین را درک کنند و برای آنها کاری انجام دهند.

بعد از گذشت مدتی از قرنطینه قشر ضعیف جامعه دیگر توان پرداخت هزینه های سرسام آور زندگی کردن که بماند ، هزینه های حتی زنده ماندن را هم نداشت و این قشر مجبور شدند با تمام خطرات که وجود داره بروند دنبال کار تا نان شب خودشان رو بتوانند تهیه کنند.

تمام خطرات را به جان میخریدند که شرمنده زن و بچه نشوند.

وقتی مامور ها به دلیل کرونا که باید مغازه ها تعطیل میشدند ، مغازه ای را می بستند ، صاحب مغازه به ماموران می گفت: شما شکم بچه ی من را سیر می کنید؟! راست می گفت مگر کسانی که درآمدشان روزانه بدست می آید ، بدون کار کردن چند روز می توانند تحمل کنند و مگر همه افراد جامعه حقوق ثابتی دارند؟

آن هم با این قیمت های اجناس که بدون کرونا هم زندگی را برای بعضی ها خیلی سخت کرده است.

در این زمان تدبیر دولت باید به کمک مردم می آمد فقط وعده دادن هیچ دردی از مردم دوا نمی کند و باید به وعده ها عمل شود. وعده هایی از طرف دولت به اقشار آسیب دیده از کرونا داده شد ولی وقتی با بعضی از این قشر صحبت می کنیم ، می بینیم که عملا کاری انجام نشده است. تدبیر دولت شد وام یک میلیونی با سود ۱۲ درصد! عجب تدبیری بود!

که به لطف بعضی از روحانیون و اعتراض نسبت به سود وام ، سود وام حذف شد. اینکه وام بدهیم تدبیر خوبی بود اما روش اجرایی آن اصلا کارشناسی شده نبود. از یک طرف دولت مردم رو به خانه ماندن دعوت می کرد و از طرف دیگر با این طرح مردم را برای گرفتن سیم کارت به بیرون

روزگار در حال گذر بودو هرکس به زندگی خود مشغول. بعضی ها به دنبال جمع کردن پول بوده و بعضی ها با فقر دست و پنجه نرم می کردند.

زندگی می گذشت اما برای بعضی ها خیلی سخت ، برای بعضی ها با گرسنگی ، برای بعضی ها با بیماری البته بدون دارو ، برای بعضی ها در خانه های کوچک ، واقعا کوچک که حتی ابتدایی ترین امکانات یک خانه را نداشت. در همین حال صدای یک بحران به گوش می رسید، بحرانی به نام کرونا.

بحرانی که زندگی خیلی ها را تحت تاثیر قرار داد. اول که کرونا آمد ، زیاد مورد توجه مسئولین قرار نگرفت که همین موضوع پیشرفت سریع بیماری را در پیش داشت. محدودیت ها شروع شد. قرنطینه شروع شد.

در بدو ورود کرونا گفتند کرونا بین فقیر و غنی فرق نمی گذارد ، راست گفتند کرونا بین فقیر و غنی فرق نمی گذارد اما کرونا روی شرایط مردم تاثیر می گذارد. کسانی که پول داشتند وقتی کرونا آمد و قرنطینه ها و محدودیت ها شروع شد زیاد زندگی شان تحت تاثیر قرار نگرفت. اما کسانی که صورت خودشان رو با سیلی سرخ نگه می داشتند با ورود کرونا خیلی زندگی هایشان تغییر کرد و سخت تر شد. کارگر ساختمانی که حقوق روزمزد می گرفت دیگر کاری نداشت، راننده ی تاکسی که دیگر مسافری برای جابه جا کردن نداشت، مغازه داری که خریداری برای اجناسش نداشت و دست فروشی که دیگر کسی نبود وسایلش را خرید کند.

در این زمان نیاز به حمایت دولت از این قشر احساس می شد چون زندگی بعضی ها واقعا خیلی آشفته شده بود.



**وقتی مامور ها به دلیل کرونا که باید مغازه ها تعطیل میشدند ، مغازه ای را می بستند ، صاحب مغازه به ماموران می گفت: شما شکم بچه ی من را سیر می کنید؟! راست می گفت مگر کسانی که درآمدشان روزانه بدست می آید ، بدون کار کردن چند روز می توانند تحمل کنند و مگر همه افراد جامعه حقوق ثابتی دارند؟**

## کرونا؛ بیوتروریسم یا سوپ خفاش



سیده مرصیه فتاحی - دانشجوی بهداشت عمومی  
نماینده منطقه شمال غرب

بیولوژیک یک بخش جدایی‌ناپذیر از استراتژی نظامی آمریکا است و «رابرت مک فارلند» وزیر دفاع آمریکا در ۱۹۶۰ گفته است که آمریکا ۱۵۰ برنامه اسلحه زیستی پنهان اجرا کرده است.

از دیگر نکات قابل توجه در زمینه فعالیت های بیوتروریستی میتوان به کاهش شدید جمعیت جهان بر مبنای نظریه نئوفاشیستی و گنیکا و میلیاردها طلایی اشاره کرد که رزولت سیاست کاهش جمعیت جهان را ملزم می‌میدانست. پیروان مکتب مالتوس نظیر پاول ارلیش که از آمریکا خواسته است کنترل جمعیت را، هم در آمریکا و هم در جهان سوم اعمال کند و یا خروج آمریکا از معاهده سلاح‌های بیولوژیک در سال ۲۰۰۱ از دیگر قراین موجود بر بیوتروریسم بودن کرونا دانست.

قبل از هر چیزی باید بدانیم که حکومت کمونیست چین به شیوه ای بسیار محتاطانه و استبدادی عمل میکند و رسانه های این کشور در دست حکومت مرکزی می باشند که برخلاف دولت های غربی که دارای رسانه های خصوصی زیادی هستند و امکان پنهان کاری از وضعیت انتشار کرونا را ندارند، حکومت کمونیست چین با در دست داشتن تمام رسانه ها قادر به ارائه آمار کاذب و دستکاری شده می باشد. دلیل اول افرادی که چین را عامل اصلی انتشار کرونا و بیوروس میدانند نیز مربوط به همین موضوع و نحوه ی برخورد حکومت چین با اولین افراد منتشرکننده هشدار درباره ویروس میباشد. طبق اخباری که از چین بدست جهان رسید دکتري که در بیمارستان ووهان مشغول به کار بود با نمونه های مشکوکی از این بیماری برخورد میکند و آنها در گروه چت همکاران پزشک اش در میان میگذارد:

در ساعت ۱۷:۴۳ وی در یک گروه خصوصی وی چت از همکلاسی های دانشکده پزشکی خود نوشت: «۷ مورد تایید شده سارس از بازار غذاهای دریایی هوانا گزارش شده است.» وی همچنین گزارش معاینه بیمار و تصویر سی تی اسکن را منتشر کرد. در ساعت ۱۸:۴۲ وی افزود:

«آخرین اخبار، تأیید شده است که آنها دارای عفونت های کورونا و بیوروسی هستند، اما نژاد اصلی ویروس فرعی است. وقتی اسکرین گفته های دکتر لی منتشر شد با جلب توجه همگانی همراه بود. همان ابتدای کار مدیرش او را به دلیل انتشار اطلاعات محرمانه سرزنش کرد. اما با انتشار بیشتر این موضوع، پلیس ووهان دکتر را دستگیر کرده و او را مورد بازجویی قرار داد و تعهدنامه ای را به امضایش رساندند که دیگر حق سخن گفتن در این مورد را نخواهد داشت.

جز این مورد، باید بدانیم که پژوهشگر چینی بینگ لو که درباره منشأ ویروس تحقیق میکرد، به قتل رسیده است، پس از بررسی های پلیس معلوم شده که شخص قاتل نیز درون ماشین اش چند روز بعدتر کشته شده است. دلیل دوم مشکوک بودن چین به انتشار عامدانه این ویروس، این است که طبق داده ها، حکومت از روزهای اول که خبر از سرعت انتشار این ویروس داشته است شروع به جمع آوری تجهیزات پزشکی از قبیل ماسک و لباس ایزوله و .. کرده است و به کارخانه های تولیدی این تجهیزات

مادری را روایت می کند که فرزندش را بعد از سفر از دست می دهد. به همراه این پسر، تک تک مسافران، سرگروه و راننده بدون هیچ دلیل مشخصی به کام مرگ می روند. مادر درست در زمانی که دارد با مرگ پسرش کنار می آید، با پیام های عجیبی مواجه می شود. همین پیام ها منجر به سفر او به شهر ووهان چین می شود؛ شهری که در آن ویروس ووهان -۴۰۰ شکل گرفته است.

نکات فرامتنی کتاب این شائبه را که ممکن است شیوع کرونا با انگیزه های سیاسی انجام شده باشد تقویت می کند. البته تفاوت هایی هم به چشم می خورد مانند اینکه دوره نهفتگی ووهان -۴۰۰ در چشمان تاریکی چهار ساعت ذکر شده، در حالی که این دوره در کرونا حداکثر ۱۴ روز است. از سوی دیگر، ووهان -۴۰۰ ویروسی است که در آن احتمال مرگ ۱۰۰ درصدی ذکر شده در حالی که در کرونا این آمار حدود ۲ درصد است.

از دیگر مواردی که ظهور کرونا ویروس را پیش بینی می کند، مانور آمریکایی ۲۰۱۹ است؛ در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹ (۲۶ مهرماه ۱۳۹۸) سناریویی با عنوان 201 Event در هتل پیر نیویورک بررسی شد. این نشست حدوداً دو ماه قبل از ثبت اولین مورد کووید ۱۹ در چین برگزار شد. شبیه سازی صورت گرفته در این نشست مربوط به پاندمی بیماری ناشی از یک کروناویروس بود. کروناویروس فرضی در این سناریو، ابتدا از خفاش به خوک و سپس به انسان منتقل شده و از طریق انتقال انسان به انسان در جهان همه گیر می گردد.

شبیه سازی صورت گرفته باعث افزایش ابهامات در خصوص نقش ایالات متحده آمریکا در گسترش کرونا ویروس در جهان شد و این کشور را در جایگاه متهم اصلی قرار داد.

بیل گیتس مدیر سابق ماکروسافت با نشان دادی تصویری از ویروس کرونا به جامعه جهانی هشدار داد که در آینده جنگ اتمی نیست بلکه جنگ بصورت میکروبی است و جامعه جهانی به هیچ عنوان جنگ بیولوژیکی را جدی نگرفته و برای مبارزه با آن آماده نیست. پایگاه آمریکایی «گلوبال ریسرچ» در مقاله ای از قول رومانوف از محققان خودش فاش کرده که آمریکا ۱۳۰ مرکز تحقیقات بیولوژیک دارد و در آیین نامه ارتش آمریکا در ۱۹۵۶ تصریح شده که جنگ

ویروس کرونا از شهر ووهان چین از اواخر ۲۰۱۹ شیوع پیدا کرد و در اواخر سال شمسی ۱۳۹۸ هم پیدایش ویروس کرونا برای اولین بار در کشور از شهر قم اعلام شد. با شیوع و درگیری کشورها به دلیل رقابت های اقتصادی و سیاسی، خبرهایی از وجود منشأ بیوتروریستی کرونا انتشار یافت.

بیوتروریسم، یکی از زیر شاخه های اقدامات تروریستی علیه دولت ها و گروه ها از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی برای رسیدن به اهداف سیاسی از طریق سلاح بیولوژیکی است که به میکروارگانیزم هایی مثل ویروس، باکتری، قارچ یا سموم دیگر گفته می شود و عمداً تولید و پخش می شوند تا باعث بیماری و مرگ انسان ها، حیوانات و گیاهان شوند. از نکات جالب توجه می توان به فیلم ها و کتاب هایی که در این زمینه وجود دارد و این اتفاق ها را پیش بینی کرده است، اشاره کرد؛ contagion یک فیلم آمریکایی در ژانر فاجعه ای مهیج به کارگردانی استیون سودبرگ است که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. داستان این فیلم الهام گرفته از بیماری های واگیردار در دهه اول سال ۲۰۰۰، همچون شیوع نوعی از کروناویروس به نام سارس در سال ۲۰۰۲ و آنفلوآنزای خوک در سال ۲۰۰۹ است. ویروس تخیلی فیلم شیوع، دقیقاً مانند ویروس کرونای کووید ۱۹، از طریق تماس مستقیم یا تماس با سطوح آلوده بین انسان ها منتقل می شود. هر دو ویروس تخیلی و واقعی باعث ایجاد مشکلات تنفسی می شوند در این فیلم همانند کووید ۲۰۱۹ ویروس از طریق لاشه یک خوک که توسط خفاشی گزیده شده منتقل شده بود. شهر شیکاگو در آمریکا به صورت کامل قرنطینه می شود، اتفاقی که شبیه قرنطینه کامل شهرهای مختلف در چین و بسیاری از کشورهای دیگر.

از دیگر پیش بینی های کووید ۱۹ میتوان به کتاب های سیلویا براون اشاره کرد. سیلویا براون نویسنده آمریکایی در کتاب پیشگویی که در سال ۲۰۰۸ نوشته است در بخشی آورده است که تا سال ۲۰۲۰ بیش از هر زمان دیگری در اماکن عمومی ماسک های جراحی و دستکش های پلاستیکی استفاده می کنند. علت این کار شیوع یک بیماری شدید شبیه ذات الریه خواهد بود که به ریه ها و نای حمله می کند و به شدت در برابر درمان مقاوم است. از دیگر کتاب های براون چشمان تاریکی است که داستان



- بیل گیتس
- مدیر سابق
- ماکروسافت
- با نشان دادی
- تصویری از ویروس
- کرونا به جامعه
- جهانی هشدار داد
- که در آینده جنگ
- اتمی نیست بلکه
- جنگ بصورت
- میکروبی است و
- جامعه جهانی به
- هیچ عنوان جنگ
- بیولوژیکی را جدی
- نگرفته و برای مبارزه
- با آن آماده نیست

ادامه از صفحه چهار

اجازه فروش آنها به غیر از حکومت را نداده بود، که موضوع بسیار مشکوکی به نظر می‌رسد که چرا حکومت قبل از اینکه جهان از وجود بیماری ای واگیردار خبر داشته باشد شروع به انبار کردن تجهیزات پزشکی در ابعاد بسیار زیاد کرده است؟ دلیل سوم نیز مربوط به تجارت پرسود چین از فروش ماسک و مواد ضدعفونی کننده احتکار شده از قبل، به دولتهای بحران زده و درگیر با ویروس می‌باشد. باتوجه به اینکه معلوم شده حکومت چین شروع به جمع آوری تجهیزات پزشکی تولید داخل و حتی خرید از سایر کشورها کرده بود، با انتشار ویروس و افزایش چندبرابری قیمت این محصولات سود کلانی از فروش آنها کرده است. بسیاری بر این باور اند که چین که از قبل میدانست قدرت انتشار ویروس بسیار بالاست از فرصت استفاده کرده و با پنهان کاری جلوی انتشار ویروس را نگرفته است. دلیل چهارم این پرسش است که چطور ویروس از شرق عالم به غرب رسیده و دنیا را درگیر کرده است، اما در کشور چین جز شهر مبدا ویروس یعنی ووهان، این ویروس در شهرهای دیگر گسترش پیدا نکرده است؟ میتوان چنین فهمید که حکومت با اطلاع قبلی مسافرتها از مبدا ووهان به سایر شهرهای چینی را تحت کنترل قرار داده بود ولی مسافرتها بین المللی همچنان آزادانه انجام می

شدند تا اینکه بعد از چند روز تاخیر و پنهانکاری و پس از اعلام موارد مثبت ابتلا به این ویروس در نیویورک امریکا و سایر شهرها، به کشورهای جهان هشدار داد که بهتر است نسبت به این ویروس هشیار باشند و مردم نکات بهداشتی را رعایت کنند. مهر تایید این گفته که حکومت چین مدتی از این ویروس و سرعت انتشار اش خبر داشته است، انتشار گزارشاتی از همکاری های سازمان جهانی بهداشت و حکومت چین مبنی بر اینکه سازمان بهداشت جهانی حدود سه هفته دیرتر به دنیا هشدار یک ویروس با قدرت انتشار بسیار بالا را داده است که از دولت ترامپ تا برخی کشورهای اروپایی و حتی آسیای شرقی نیز سازمان بهداشت جهانی را سپر حکومت چین دانسته و از همکاری های پشت پرده این دو با یکدیگر سخت خشمگین هستند. دلایل دیگر نیز وجود دارند از قبیل اینکه حکومت چین نسبت به تحقیقات درباره منشا ویروس و آزمایشگاه ویروس شناسی ووهان حساسیت بسیار بالایی نشان داده تا جاییکه دولت استرالیا را در پاسخ به اتهام شیوع کرونا، به تحریم تهدید کرده است و اجازه بازرسی از آزمایشگاه را نداده که هیچ، بلکه بخش هایی از آزمایشگاه را از بین برده است. مساله دیگر این است که در دنیای سیاست، با پیروزی دونالد

ترامپ جمهوری خواه در آمریکا، شروع به فشار آوردن بر حکومت چین برای غلبه بر رقیب اقتصادی اش کرد که این اقدامات شامل افزایش تعرفه ها و خارج کردن کارخانه های تولیدی از چین و ... میشوند که باعث ضررهای بسیار سنگینی برای چین شده بود. بسیاری بر این باور اند که حکومت چین برای جلوگیری از انتخاب مجدد ترامپ و ایجاد مشکلات اقتصادی در آمریکا، راه شیوع ویروس را باز گذاشته و از انتشار آن در ایالات متحده امریکا از لحاظ سیاسی و اقتصادی سود بسیاری خواهد کرد.

در چنین شرایطی و با توجه به جدی بودن تهدید های بیوتروریستی، جمهوری اسلامی باید با استفاده از تجربیات مبارزه با ویروس کرونا، زیرساخت ها و آزمایشگاه های بیولوژی و ویروس شناسی با مدرن ترین تجهیزات ایجاد کند تا پایگاه اصلی مبارزه با تهدیدات بیوتروریستی در منطقه باشد. رسانه های داخلی هم علاوه بر امیدبخشی و آگاهی بخشی، در برنامه ها و سیاست گذاری های خود در آینده، ذهنیت عمومی جامعه را با ابعاد پیچیده جنگ بیولوژیک و درگیری میان دولت ها آشنا سازند. چنان که اگر قبل از کووید ۱۹ مستندهایی تهیه میشد افکار عمومی راحت تر با این قضیه کنار می آمد و آن را توهم توطئه تلقی نمی کرد.



**بسیاری بر این باور اند که حکومت چین برای جلوگیری از انتخاب مجدد ترامپ و ایجاد مشکلات اقتصادی در آمریکا، راه شیوع ویروس را باز گذاشته و از انتشار آن در ایالات متحده امریکا از لحاظ سیاسی و اقتصادی سود بسیاری خواهد کرد.**

## تکرار تاریخ؛ این بار کرونا

علی کریمی راد - دانشجوی کارشناسی بهداشتی  
نماینده منطقه مرکز



ذخیره کنیم و آن وقت از کمبود نان خبری نخواهد بود. سومی گفت: این مشکل نان را حل می کند اما کمبود لباس و کفش مردم را نه! بنابراین پیشنهاد می کنم مالیات سنگین بر کفش و لباس و هر نوع پوشاکی وضع کنیم در این صورت فقرا اصلا توان خرید پوشاک را نخواهند داشت و ثروتمندان هم مشکلی نخواهیم داشت، برای چه باید غصه غذا را بخوریم. چهارمی گفت: چه پیشنهاد بدی! من پیشنهاد می کنم، شب ها وقتی ثروتمندان خوابیده اند، فقرا خانه های آنان را غارت کنند و چکمه ها و لباس های آنان را و هر چیزی که نیاز دارند، بردارند و برونند و به این ترتیب فقرا لباس به تن خواهند داشت و می توانند در مزارع و هر کجا کار کنند، برای ثروتمندان نیز لازم نیست نگران باشیم. پنجمی گفت: همه پیشنهادات غلط است، من می گویم کلا لباس پوشیدن را کنار بگذاریم. در این هنگام دانای دانیان و حاکم شهر دهان گشود و گفت نظر من این است که فقط یک جنگ می تواند مشکل ما را حل کند. در این لحظه منشی جلسه که حق اظهار نظر نداشت، برای سخن گفتن اجازه گرفت و حاکم شهر با اکراه، اجازه سخن گفتن داد. او گفت: سرزمینی که می خواهیم با آن بجنگیم، از اینجا خیلی دور است و هیچ جاده ای از چلم تا آنجا وجود ندارد و ما ناچاریم از یک جنگل و یک باتلاق عبور کنیم، حالا چطور سربازان قهرمان ما می توانند راهی به آنجا پیدا کنند بخصوص وقتی قرار است در تاریکی شب حمله کنند. به

چلمی ها اغلب گرسنه و بیمار بودند اما از آنجایی که هنوز کلمه بحران در زبان آن ها ساخته نشده بود، بحرانی حس نمی کردند و بحرانی نیز وجود نداشت و هیچکس هم سعی نمی کرد آن را حل کند. اما بعد از آن که تمدن بیشتری را به دست آوردند کلمه بحران توسط اولین آدم دانا و خردمند چلم و نیز اولین حاکم شهر ابداع شد. وی شورای شهر را جمع کرد تا در مورد بحران شهر که همان فقر مردمان شهر بود، با آنان سخن بگوید و چاره جویی کنند. فرزندان شورای شهر هفت روز و هفت شب فکر کردند و سپس گرد هم جمع شدند تا حاصل تفکرات خود را عرضه کنند. اولین عضو شورا گفت: حضرت عجل، می دانید که فقط عده بسیار کمی از آدم های تحصیل کرده در چلم هستند که می دانند بحران یعنی وضعیت بد و اسفناک، پس بیایید قانون وضع کنیم که استفاده از این کلمه ممنوع شود، آنگاه این کلمه نیز فراموش خواهد شد، بعد هم دیگر هیچکس نمی فهمد که بحران وجود دارد و ما دانیان دیگر مجبور نیستیم برای حل آن به مغز مبارکمان فشار بیاوریم و مغزمان را خراب کنیم. دومین عضو شورا گفت: دیگر دیر شده است، درست است که پیرمردها معنی این کلمه را نمی دانند اما جوانان این کلمه را یاد گرفته اند و آن را به نسل های آینده یاد خواهند داد و پیشنهاد کرد مردم دو روز در هفته، یعنی دوشنبه و پنجشنبه، روزه بگیرند و به این ترتیب ما می توانیم مقدار زیادی نان



فعلی یعنی کرونا را بررسی کنیم در خواهیم یافت که تا چه اندازه چلمی هستیم.

ابتدا ساده انگاری و عادی سازی بیماری توسط همه نهادها و سیستم های تبلیغاتی چون صدا و سیما و در رأس همه رئیس دولت و بعد از آن عدم انجام قرنطینه و بعد اجرای ناقص همان قرنطینه با نام فاصله گذاری اجتماعی (آقایان فرمودند قرنطینه برای قرون وسطی است بعد که دیدند راهی ندارند جز اجرای قرنطینه، آمدند نامش را تغییر دادند) و این گونه شد که ملت ما هم اکنون بین باز و بسته شدن محل های کار، آموزشی، تفریحی و ... در نوسان هستند. شهرهایی با وضعیت قرمز به سفید و از سفید به زرد و سپس به قرمز تغییر رنگ می دهند.

آقایان همان سخن اول یعنی ممنوع کردن واژه بحران را ابتدا انتخاب کردند و تاکنون ادامه داده اند، هر انسان عاقلی می داند آمارهایی که ارائه می کنند کیلومترها با آنچه اتفاق می افتد فاصله دارند.

بعد هم که دیدند از پس شرایط اقتصادی و صدمات عواقب اجتماعی قرنطینه (جامعه ای کاملاً عصبانی که فقط در یک هفته رشدی با شیب نامالایم خشونت در منزل داشتند (برنمی آیند کلا بی خیال اجرایش شدند.

از پس تأمین ماسک و مایع ضدعفونی برای کشورشان بر نمی آیند و وزیرشان برای چین صدقه می فرستند.

دیگران هم دیدند بودجه ای در نظر گرفته شده هر روز یک بشقاب و دوربین اختراع می کردند و این ویروس بقولی مرموز را از صد متری تشخیص می دادند، اینها تشخیص بود در باب درمان. و نیز همپیمان دارو ها ساختند ولی نمی دانیم چرا یک قوطی «کلتر» قیمتش در بازار آزاد شده است اینقدر میلیون تومان البته با احتساب ۴ صفر، قیمت یک ورق «سلتامیویر» هم در بازار به آنقدر میلیون تومان رسیده است.

بیمارستان هایمان که بستری را برای مدتی تعطیل کرده بودند و همچنین بودند برخی بیمارستان ها و برخی مسئولین، که از جناب مستطاب وزیر تقدیرها گرفتند.

بقول پیرمردی که میگفت: چی فکر می کردیم و چی شد! کلام دیگر دانایان که به گردن دیگران انداختند و پرواز های ماهان را نمی بستند را هم نمی خواهیم بررسی کنیم. متأسفانه امروز مسئولان کشور وقیحانه دروغ می گویند، وقیحانه دروغ گفتن همان است که شخص می داند دروغ می گوید و میدانند که دیگران هم می دانند که دروغ می گوید اما باز هم دروغ می گوید. این ها همان نوادگان چلمی ها هستند که با ژن و رانت و ... به مسولیت هایی رسیدند که از قد و قامتشان بسیار فراتر است.

امروز در کشور فساد کاملاً به صورت آگاهانه صورت می گیرد و همه آنچه که اتفاق می افتد نتیجه همین فساد است و البته این فساد خودش نتیجه رانت و رابطه هاست.

شورا ها و مسولاتمان همه چلمی اند و منشورشان همان ۷ اصل است که خدمتتان ارائه کردیم. حال دیگر نوبت آن شده که در انتخاب ها و انتخابات هایمان تجدید نظر کنیم و مانند چلمی ها به سوی جنگ نامشخص و سرنوشت نامعلوم نرویم.



تبعات مخرب و ویران کننده ای برای بشریت دارند اما با این حال هر لحظه در حال تصمیم و تدبیر هستیم.

اصل سوم: ما می دانیم که خودشیفتگی و خود برتری ما، کار دست خودمان و دیگران داده، اما چه کنیم که از دیدن قامت رعنا و دلربای خودمان لذت می بریم.

اصل چهارم: ما می دانیم که دیگر نمی توانیم اداره امور جهان را تنها به چلمی ها واگذار کرد، اما اراده کرده ایم در ذیل خود از دیگرانی که تنها با اجازه و نظر مدیران ما می توانند تصمیم بگیرند، بهره ببریم.

اصل پنجم: ما می دانیم که اداره جهان صرفاً از عهده چلمی ها برنمی آید، لذا بر این تصمیم شدیم که نوعی تقسیم کار فرماییم و امر خطیر تأمین مالی و انسانی اداره جهان را به دیگران واگذار نماییم.

اصل ششم: ما می دانیم که در هر حال برخی جوامع شرور و نامتمدن، چشم دیدن قد چون سرو ما را ندارند، نفرین بر همه آن ها. برای همه شان همه گزینه ها را برای همه تاریخ روی میز می گذاریم.

اصل هفتم: ما میدانیم که از آسمان از سر حماقت ما برسر آدمیان و عالمیان بلا خواهد بارید، اما کجا دانند حال ما سبک مغزان دنیا را!!!

اگر در یک فرایند منطقی شرایط کشورمان را در طول زمان بررسی کنیم در خواهیم یافت که ما شباهت فراوانی به چلم داریم.

از دیگر موضوعات که بگذریم و فقط و فقط همین بحران

اضافه اینکه دور تا دور این دهکده کوچک دیوار وجود دارد و دروازه آن هنگام غروب خورشید بسته می شود. همه ساکت شدند و هیچکس انتظار مطرح شدن چنین سوالاتی از جانب منشی را نداشت.

اندکی بعد، یکی فریاد زد: این سوالات منشی مغرضانه و خائنه و جسارت به محضر ملوکانه است، دیگری گفت: او باید زندانی و به شدت محکوم شود

سومی گفت: هرگز آزاد نشود تا روز قیامت. چهارمی افزود: اصلاً او باید حلق آویز شود.

حاکم شهر به این بازی، با صدور حکم پایان داد و حمله به سرزمینی که مردمش اهل چلم را احق می پنداشتند، آغاز شد.

هرچه می رفتند نمی رسیدند، فهمیدند که اشتباه هدایت شده اند و به جای رفتن به سمت راست، به سمت چپ حرکت کرده اند و به سرزمینی دیگر نزدیک شده اند. برای آن ها فرقی نمی کرد که با چه کسانی بجنگند، چون تمامی جهان، آنان را احق می پنداشتند.

(برگرفته از کتاب احق های چلم و تاریخشان نوشته ایزاک سینگر)

چلمی های روزگار ما نوع تکامل یافته اجداد خود هستند و به طرز نسبت به اجداد خود عقلانی تر رفتار می کنند و بالاخره با ضرورت شرایط عصر فعلی، تصمیم گرفتند که تشکیل شورا بدهند و منشور نوین خود را ارائه کنند. بعد از هفت روز و هفت شب، گفتمان و کوفتمان، منشوری با هفت اصل منتشر کردند.

اصل اول: ما می دانیم که رفتارمان احمقانه و ظالمانه است اما با این حال انجام می دهیم.

اصل دوم: ما می دانیم که تصمیم ها و تدبیرهای احمقانه،

- امروز در کشور
- فساد کاملاً به
- صورت آگاهانه
- صورت می گیرد
- و همه آنچه که
- اتفاق می افتد
- نتیجه همین فساد
- است و البته این
- فساد خودش
- نتیجه رانت و
- رابطه هاست.